تفاوت رفتار قراء مدنی و اندلسی با قراء عراقی در رابطه با احتجاج بر قرائات

علی ای حال آن چه که امروز میخواهم عرض کنم، نکتهای است که قبلاً گفته بودند و الآن میخواهم آن را تکمیل کنم. به نظرم آن نکته خیلی اهمیت دارد. من عرض کردم از روز اول در قرائات دو فضای اصلی بود. یکی در مدینه منوره ای حرمین بود و یکی هم در عراق بود. قرائة المدنیین و العراقیین.

همانی که ابو طاهر به سفیان بن عیینه میگفت[۱]؛ فضا به این صورت بود: «اختلاف قراءة المدنيين والعراقيين». من عرض کردم رفتارهای این دو فضا اصلاً متفاوت بود. این را چند بار عرض کردم. یادآوری شود تا این نکته امروز را بگویم. رفتارهایشان به این صورت بود: کسانی که قرائتشان مدنی بود که نوعاً هم در غرب آفریقا مالکیه پرچم دار آن بودند تا امروز، ریخت کار آنها ریخت احتجاج نبود. لذا من عرض کردم شما یک نفر از بزرگان علوم قرائت اندلس که چقدر کتاب دارند و چقدر مطلب نوشتهاند، یک نفر پیدا کنید که کتاب الحجه فی القرائة نوشته باشد. اصلاً سبک آنها به این صورت نبود. میگفتند حجت نمیخواهد؛ متواتر است و سند داریم که حضرت به این صورت اقراء کردهاند، لذا حجت آن این است و حجت این آن است ندارد. این یک روش جا افتادهای بود. از خود نافع هم بود؛ گفت «وی اهل العراق تقیسون فی القرآن؟![۲]». یکی از اشکالاتی که میآورند همین است؛ میگویند مالک گفته «تقیسون». خب مالک درست میگوید؛ مالک نمیخواهد بگوید که آنها به متواتر عمل نمیکنند. میگویند چرا در فضای قرائات سراغ استدلال و احتجاج میروید؟! این غلط است. این یک راول بود که قبلاً توضیحش را عرض کردم. سبک قراء مدینه به این صورت بود. سنت بود. لذا احمد بن حنبل و مالک میگفتند قرائة نافع سنة.

این اشکال را قبلاً عرض کردم. نافع خواندهه «سلام علی آل یاسین»، الآن هم در غرب آفریقا که قرائت ورش دارند، همین را میخوانند. یادتان هست که چه عرض کردم؟ خود مفسرین میگویند آیه میگوید «انه من عبادنا المرسلین» اما شما میخوانید «سلام علی آل یاسین»؟! در این صورت باید «انهم» شود. عرض کردم نافع چه جواب میدهد؟ نافع میگوید اینها را به من نگویید، من که از خودم در نیاوردهام، من فقط نقل میکنم و تا حضرت میرسد. حضرت به این صورت خواندند. به من چه!

نافع اصلاً به دنبال این نیست که مرجع ضمیر «انه» چور در نمیآید. ولذا وقتی ابو العمرو بن العلاء بصری گفت «یقضی الحق»، نه «یقص الحق»، چون حکم متناسب با قضاء است، نه با قصاص. نافع گفت: «وی یا اهل العراق تقیسون فی القرآن؟!». من که «یقص» میخوانم سند دارم. تمام. من که در آن دست نبردهام. این دو راول خیلی مهم است. اگر نظرتان باشد در بسیاری از بحثها و سؤالاتی که برای شما پیش میآید اگر این دو راهی که عرض میکنم یادتان باشد، سریع جواب را پیدا میکنید. لذا کتابهای احتجاج های قرائت برای عراق است. ابوعلی فارسی، ابن خالویه همه در بغداد بودند. فضا فضای اقراء کوفه و بصره است. در مغارب –اهل اندلس- دانی، سلیمان، مکی بن ابیطالب هیچکدام احتجاج ننوشتهاند. اینها خیلی جالب است. اصلاً ذهن آنها در این فضا

کار نمی کرد. فقط فضای خود سند و اقراء بود که ببینیم قرائت چیست.

---

[١]التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد (٨/ ٢٩٣)؛ حدثنا أبو الطاهر قال سألت سفيان بن عيينة عن اختلاف قراءة المدنيين والعراقيين هل تدخل في السبعة الأحرف فقال لا وإنما السبعة الأحرف كقولهم هلم أقبل تعالى أي ذلك قلت أجزاك

[٢]جامع البيان في القراءات السبع (١/ ١٤٦)؛ حدثنا الأصمعي، قال: سمعت نافعا يقرأ يقص الحق [الأنعام: 57]، فقلت لنافع: إن أبا عمرو يقرأ يقض، وقال: القضاء مع الفصل، فقال: وي اي أهل العراق! تقيسون في القرآن.

بازبینی #2
ایجاد شده 27 آوریل 2024 15:19:15 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 12:50:05 توسط ... .